# ذهنیت نادرست معمر از جواب امام ع

**شاگرد:** ادامه روایت کار را مشکل نمی‌کند؟ «قُلْتُ وَ كَذَلِكَ فِي النَّوَافِلِ لَيْسَ لِي أَنْ أُفْطِرَ بَعْدَ الظُّهْرِ قَالَ نَعَمْ[1]». افطار روزه قضاء واجب در بعد از ظهر کفاره دارد، روزه مستحبی هم کراهت دارد، این کار را دچار اشکال نمی‌کند؟

> 37:01

**استاد:** من قبلاً به اندازه‌ای که در وسعم بوده، پیرامون ذیل این روایت فکر کرده‌ام. حالا که شما تذکر دادید عرض می‌کنم؛ وقتی حضرت فرمودند لا، من که این حدیث را می‌خواندم، از «لا»ی حضرت وجهی به ذهنم آمد، الآن هم می‌توانم تقریر کنم که مقصود حضرت ابتداءً آن بوده، اما در ذهن معمر بن خلاد چیز دیگری آمده بود. لذا سؤال کرد، امام هم دیدند چیز دیگری به ذهن او آمده و به او جواب دادند. یعنی به‌عنوان ممشات با چیزی که به ذهن او آمده بود. به حضرت عرض کرد که «افطر الآن»؟

**شاگرد:** ممشات گرفتند.

**استاد:** بله، با این توضیح «لا» دوم چیست؟ با معنایی که من گرفتم قطعی است و به آن صدمه نمی‌زند. حضرت فرمودند «لا». یعنی افطار نکن. افطار نکردن آن مساوی با صحت هست ای نه؟ اگر شما می‌بینید در یک جا با ذیل می‌توانید به صحت صدمه بزنید، مقصود من خراب می‌شود. آن چه که شروع کار من بود، این بود که گفتم «لا» دوم می‌گوید روزه تو صحیح است. اگر زید به صحت صوم صدمه بزند، خوب است. می‌گویید ذیلش می‌گوید که صحیح نیست. و حال آنکه ذیلش که به این صورت نیست. ذیلش دارد وجهی را ذکر می‌کند. ولی ذیلش هم باز صحت صوم را می‌رساند. شروع عرض من هم از چه چیزی بود؟ از صحت صوم بود. وقتی گفتم روزه صحیح شد... ؛ اگر روایت می‌گفت که روزه باطل است، بین روایت با روایت وقع الیوم بعینه معارضه می‌شد. حتی خلاف اجماع می‌شد، اگر می‌گفتند که این روز باطل است. منظور من این بود که وقتی این روایت مهر صحت زد، فضا برای اجماع و همه‌ی چیزها باز است. این روایت که با آن‌ها معارض نیست. و لذا گفتیم به چه شدت احتیاط می‌خورد.

صحبت سر این است که ذیل روایت، چه کار کرده است. به امام عرض کرد «افطر الآن»؟ حضرت فرمودند نه، افطار نکن. چرا حضرت فرمودند نه؟ در ذهن خود ابن خلاد این بود «و کان وقت العصر». روایاتی را در افطار بعد العصر شنیده بود. تا حضرت فرمودند «لا»، او رفت جهت «لا» دوم را به‌خاطر بعد العصر بودن گرفت. لذا گفت در سائر روزه‌های مستحب هم بعد از ظهر افطار نکنم؟ حضرت فرمودند «لا». و حال اینکه می‌دانید الآن فتوا این نیست. یعنی در صوم تطوع و روزه مستحب، تنها در قضاء ماه مبارک است که بعد از زوال نمی‌توانند افطار کند. در روزه‌های مستحب جایز است. خب خود اینکه حضرت فرمودند در بعد از ظهر در روزه‌های مستحب هم نمی‌توانی افطار

کنی، خلاف حکم معروفش است. یعنی باز باید این را بر افضلیت حمل کنیم. بگوییم افضل این است که میگوییم «لا»، و حال آنکه او اینچنین فهمید. حضرت هم گفتند «لا». اما مقصود حضرت از «لا»ی دوم چه بود؟ عرض کرد «افطر الآن»؟ حضرت فرمودند «لا». وجه فقهی این «لا» حضرت چه بود، غیر از آن چه که او فهمید؟ ای حضرت فهم او را تأیید کردند ای مماشات کردند. من از اولی که این روایت را میخواندم هر دو احتمال در ذهنم میآمد. اگر تأیید باشد، «لا» دوم مقصود حضرت میشود. یعنی چرا حضرت گفتند که الآن افطار نکن؟ یعنی اگر قبل از ظهر بود به او میگفتند که بیا بخور، چون العلة و الاشبهة بیا بخور. کما اینکه در روایت دیگر از امام باقر علیه‌السلام بود که حضرت فرمودند بیا بخور. لذا معمر فهمید چون بعد از ظهر است حضرت فرمودند که افطار نکن. این یک وجه است که تأیید فهم او از رمز «لا» دوم است.

یک وجه دیگر این است که «لا» دوم برای چه بود؟ اصلاً برای مسأله بعد از زوال نبود. حضرت فرمودند تو که روزه را گرفتی، استحباب مطلق که دارد، مظنه اجزاء هم دارد، یعنی روزه‌ای است که تا حال هم آن را آوردهای، اگر هم بعداً معلوم شد که ماه مبارک بوده، خب تو روزهات را گرفتهای. یعنی «لا» حضرت برای ارشاد به این بود که حال که روزه را گرفتهای، من تو را از مسیر چیزی که ممکن است غیر از استحباب عمومی، در معرض نفع بعدی باشد، [بازنمیدارم]. بهغیراز استحباب عمومی، در معرضیت نفع بعدی هم هست. «لا»؛ افطار نکن. این را از کجا دفع میکنید؟ تنها دافعی که دارد فهم معمر است و آن چه حضرت بعداً به آن جواب دادهاند. اگر در این موارد مماشات را از ناحیه مجیب بگیریم؛ کما اینکه در روایات دیگر شواهدی هست؛ خیلی از جاها هست که امام علیه‌السلام یک چیزی را فرمودهاند، راوی یک جوری سؤال میکند و در یک مسیری میبرد، امام علیه‌السلام برنمیگردند و دقائقی که ذهن او نمیتواند بهخوبی باز کند را کاری ندارند. حکم را میگویند و میروند؛ به این عنوان که فعلاً به چیزی که در ذهن او مطرح است، جواب بدهند. ولی در «لا» دوم این احتمال هم هست که اصلاً مقصود امام این نبوده که چون بعد از ظهر است، به تو میگویم. و الا مسأله شرعی آن این است که بعد از ظهر هم میتوانی افطار کنی، خب حالا همراه من بیا بخور. کما اینکه در روایت امام باقر علیه‌السلام همانطور که یکی از آقایان فرمودند از کلمه «غداء» فهمیده میشد که طرف صبح بود. ولی در زوال و بعد از زوال، روایت صریح نبود.

---

[1] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج۴، ص: ۱۶۶

---

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 13:24:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 13:25:19 توسط ... .